

کلام امام در رد سخن مرحوم آخوند:

حضرت امام ابتدا کلام مرحوم آخوند را چنین تقریر می کنند:

«أنه لو توقّف وجود الضدّ على عدم ضده لزم الدور، لأنّ التوقّف لأجل التمانع من الطرفين، فعدم

أحد الضدّين - أيضا - متوقّف على وجود الآخر توقّف العدم على وجود مانعه.»^۱

و سپس اشکال می کنند:

«و فيه: أنّ التمانع إذا اقتضى توقّف وجود أحد الضدّين على عدم الآخر توقّف الشيء على عدم

المانع، يقتضى - بمقتضى المقابلة - توقّف وجود الضدّ الآخر على عدم ضده أيضا، لا توقّف عدمه

على وجوده، لأنّ العدم ليس بشيء حتّى يتوقّف تحقّقه على شيء.»^۲

توضیح:

۱. اگر گفتیم «تمانع» اقتضا می کند که «وجود صلوة» متوقف باشد بر «عدم اكل» (از باب توقف شی بر

عدم مانع):

۲. باید بگوئیم وجود اكل هم متوقف بر عدم صلوة است (به سبب مقابله و تضادی که بین صلوة و اكل

موجود می باشد) و نه اینکه بگوئیم عدم اكل متوقف بر وجود صلوة است.

۳. چراکه «عدم اكل» چون عدم اصلاً چیزی نیست تا بخواهد وجود صلوة بر آن متوقف باشد.

ما می گوئیم:

حضرت امام از همین مطلب، به جواب اصلی خویش به «ترك ضد مقدمه اتيان ضد دیگر است» می رسند.

جواب امام به «مقدّمیت»:

«و التحقيق: أنّ التوقّف مطلقا باطل فيهما، لأنّ العدم ليس بشيء بل باطل محض، فلا يمكن أن

يكون دخيلا في تحقّق شيء أو متأثرا من شيء، فما لا شيئية له يسلب عنه بالسلب التحصيلي جميع

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۱۳.

۲. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۱۳.



الأمر الثبوتية، و لا شك أن التوقف من طرف الموقوف و الموقوف عليه ثبوتی، و ثبوته له فرع ثبوت المثبت له، بل ثبوت كل شيء لشيء فرع ثبوته، فما لا شبيهة له لا تقدم له و لا تأخر و لا مقارنة، فكل الحثيات مسلوبة عنه سلبا تحصيليا، لا بمعنى سلب شيء عن شيء، بل السلب عنه من قبيل الإخبار عن المعدوم المطلق: بأنه لا يخبر عنه، لأجل التوسل بالعناوين المتحصلة في الذهن.^۱

توضیح:

۱. بین عدم و وجود هیچ توقفی نیست چراکه عدم چیزی نیست تا دخیل در تحقق چیزی باشد.
۲. هر چه عدم است می توان گفت «عدم هیچ امر ثبوتی نیست» (به سبب تحصیلی از او سلب می شود)
۳. از امور ثبوتی، توقف است.
۴. اگر بخواهیم توقف را برای «عدم» ثابت کنیم، این فرع ثبوت مثبت له (عدم) است.
۵. [ان قلت: «عدم مسلوب عنه است» هم یک ثبوت در خود دارد، یعنی «مسلوب عنه» بودن را برای عدم ثابت می کنیم.]
۶. [قلت:] این جمله به معنای آن نیست که چیزی برای عدم ثابت است بلکه از قبیل اخبار از معدوم مطلق است (در قضیه المعدوم المطلق لا یخبر عنه)

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش امام آن است که عدم دارای ذات نیست تا بخواهیم بگوئیم «عدم المانع» شرط است، و چون ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت مثبت له است، نمی توانیم بگوئیم «عدم المانع شرط است» چراکه عدم المانع حصول ندارد.
۲. همین مطلب را مرحوم محقق اصفهانی مورد اشاره قرار داده و رد کرده است.

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۱۳.



کلام ایشان را می خوانیم:

درس خارج اصول استاد سید حسن خمینی



درنامه اصول؛ سال نهم، ۶۹



@seyedhasankhomeinii

